



## شواهدی از عناصر تزئینی سفال‌های عصر مفرغ قدیم یانیق‌تپه

لیلی نیاکان<sup>۱</sup>

(صص: ۲۴ - ۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.3.8.7

### چکیده

شروع بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی در شمال غرب ایران از ۱۹۴۸ م. به بعد، نشانه‌هایی از تحولات فرهنگی که در روند جابه‌جایی جمعیتی به وجود آمده بودند را مشخص می‌کرد. مهاجرانی که بر اثر تغییرات زیست‌محیطی یا افزایش جمعیت و کمبود منابع زیستی در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از میلاد در گستره وسیعی از شرق باستان از شمال شرق آناتولی تا جنوب لوانت استقرار پیدا کردند. این دوره فرهنگی در ادبیات باستان‌شناسی، دوره ماوراء قفقاز قدیم یا فرهنگ کوراارس نامیده شده است. شاخصه این فرهنگ در بُعد سفالگری، ساخت و تولید گونه‌ای از سفال سیاه‌رنگ صیقلی، داغ‌دار منقوش با معماری مدور و راست‌گوشه است. هدف اصلی از ارائه این پژوهش، دستیابی به چگونگی ارتباط شکلی و نوع نقوش سفال‌های این محوطه است که در پی سامان‌دهی مخازن موزه ملی در سال ۱۳۸۳ ه.ش. شناسایی، ثبت و مطالعه گردید. پرسش محوری این پژوهش را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که سفالگران مهاجر، تجارب هنری خاستگاه اولیه خود را تا چه حد توانستند بر سبک هنری این سفال‌ها نشان دهند؟ داده‌های این پژوهش براساس مطالعات موزه‌ای و منابع کتابخانه‌ای، جمع‌آوری و مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفت. شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات از گونه کیفی بوده و از نظر ماهیت پژوهشی در دسته پژوهش‌های تاریخی-فرهنگی قرار می‌گیرد. تفکیک آماری سفال‌ها نشان داد که بیشترین نقش‌ها مربوط به تلفیق الگوهای هندسی چون نوارهای تزئینی و ساده با نقش جانوران و پرندگان بوده که اهمیت این جانوران در بافت زیست‌محیطی منطقه را در روند اقتصاد معیشتی با تمرکز بردامداری و شکار نشان می‌دهد. مقایسه این نقش‌ها با دیگر حوزه‌های فرهنگی در گستره جغرافیایی عصر مفرغ قدیم در محدوده جغرافیایی شمال غرب، غرب و مرکز فلات ایران تا مناطقی از آناتولی و ماوراء قفقاز بیانگر برخی نقوش تأثیرپذیر از مبدأ و نقوشی دیگر بر روی این سفال‌ها بومی و محلی بوده است.

**کلیدواژگان:** آذربایجان، یانیق‌تپه، مفرغ قدیم، سفال، موزه ملی ایران.

## مقدمه

اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از میلاد شاهد دگرگونی فرهنگ‌ها و تعاملات فرهنگی در آسیای جنوب غربی و گسترش فرهنگ کورارس در شرق و جنوب ترکیه و غرب ایران است؛ بنابراین تغییراتی بنیادین با ورود مهاجرانی که از کرانه‌های شمالی رود ارس، گذشته و با عبور از این رودخانه در بخش‌های جنوبی رود استقرار پیدا کردند، مشاهده می‌شود. گروهی نیز به بخش‌های جنوبی‌تر رفته و در بخش‌های شمال غرب ایران ساکن شدند؛ بنابراین تغییراتی در ساختار اجتماعی جوامع انسانی به وقوع پیوست. در پی این تغییرات به‌ویژه افزایش جمعیت، ارتباطات برون منطقه‌ای پدیدار شد که بستر مناسبی برای انتقال اندیشه‌ها از جمله خلق آثار هنری چون ساخت و تولید گونه‌ای از سفال سیاه‌رنگ، دست‌ساز و نوعی تزئین که برخلاف دوره‌های پیشین که سفال را با رنگ نقاشی می‌کردند، روشی کاملاً جدید جایگزین گردید که سنت فرهنگی کورارس شناخته می‌شود. نخستین بار نشانه‌هایی از این تغییر فرهنگی در کاوش‌های سال ۱۹۴۸ م. توسط تئودور برتون براون در گوی تپه گزارش شد (Burton Brown, 1951). پس از آن، طی کاوش‌های سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ م. چارلز برنی در تپه یانیق نزدیک تبریز، این تغییرات را به صورت گسترده‌تری در حداقل ۱۲ لایه استقرار آشکار کرد (Burney, 1961 & 1962). باتوجه به نوع مشابهاهات، ساخت، تزئینات و داده‌های این فرهنگ در دیگر محوطه‌های هم‌عصر در منطقه وسیعی از قفقاز جنوبی و بخش‌هایی از شمال غرب و غرب ایران و نیمه شرقی آناتولی تا لوانت گزارش شده است. این مقاله سعی دارد با رویکرد تاریخی-فرهنگی ارتباط فرهنگی این محوطه را با خاستگاه اولیه خود از نظر تأثیرپذیری بر نقوش این سفال‌ها بررسی کند (Sagona, 2014; Rothman, 2015; Burney, 1962; مترجم، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

**پرسش‌های پژوهش:** اساسی‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: (۱) ترسیم سبک تزئیناتی سفال‌های عصر مفرغ قدیم یانیق تپه. (۲) آیا در ساخت و تزئین این سفال‌ها ویژگی‌های بومی و محلی یانیق تپه نقش داشته و یا تأثیرات و تبادلات فرهنگی محلی انتشار یافته است؟

**روش پژوهش:** مجموعه سفال‌های یانیق تپه از زمان انتقال آن به موزه ملی دست‌نخورده باقی‌مانده بود، به همین دلیل پیش از هر انتخابی برای شروع، مطالعات مقدماتی مورد نیاز بود؛ لذا ابتدا تمام سفال‌ها پیش از طبقه‌بندی، ثبت، شست‌وشو و سپس نمونه‌های تزئین شده جدا و به گروه‌های نقشی چون هندسی، جانوری، ساده و متفرقه تقسیم شد. مستندنگاری شامل تهیه تصاویر، طراحی و ثبت تمامی ویژگی‌های ظاهری و فنی آن‌ها، مراحل دیگر این سامان دهی بود؛ همچنین در این بررسی و مطالعه، سعی بر آن بود که نمونه سفال‌هایی که توسط چارلز برنی در مطالعات پیشین ارائه نشده بود، انتخاب شوند. این نمونه‌ها باتوجه به معیار متنوع بودن آن‌ها از کارگاه‌های P, M, L, K, H, HX و مراحل YT, HX1, YT, HX3, YT, HX4, YT, HX, YT, 161 HX از کارگاه‌های YT, H, HI, YT, LIA, YT, K3, YT, HH1, H5, YT, HH, IA, YT, C5YT2, L3PRMII, YT P2, YT, L3PRM II, YT, 39C, YT, RHI3 سامان دهی و ثبت شده است.

## منظر زیست‌محیطی و موقعیت جغرافیایی منطقه از دیدگاه باستان‌شناسی

شمال غرب ایران توپوگرافی متنوعی دارد. این منطقه سرزمینی است مرتفع و کوهستانی که از جهت شمال غربی رشته‌کوه‌های زاگرس به سوی جنوب شرق به طول حدود ۴۸۰ کیلومتر کشیده شده است. این سرزمین فلاتی، بین رشته‌کوه‌های قفقاز و تروس آناتولی واقع شده و فشارهای وارده از دوطرف سبب شکست‌هایی در آن شده که رشته‌کوه‌های آرارات، سه‌هند و سلان از آن به وجود آمده است. مهم‌ترین عارضه طبیعی شمال غرب ایران، دریاچه ارومیه است که حدود ۳۵ الی ۴۰ هزار سال از سن آن می‌گذرد. این دریاچه دارای مساحت ۴۶۳۶۰۰ هکتار به شکل گودال تقریباً

مستطیل شکل که از شمال به جنوب کشیده شده است. منابع آبی آن به وسیله ۲۱ رودخانه دائمی، ۷ رودخانه فصلی و حدود ۴۰ مسیل و چشمه‌های داخل دریاچه و بارش‌های مستقیم باران و برف به صورت طبیعی تأمین می‌شود (Schachner, 2001). این دریاچه در ابتدا، دارای آبی شیرین بود و از حدود ۸ هزار سال پیش از نمک اشباع شده است (شهرابی، ۱۳۷۳: ۴۷). ارتفاع متوسط حوضه دریاچه ارومیه به طور متوسط ۱۱۰۰ متر است. باتوجه به ارتفاع متوسط حوضه دریاچه ارومیه و وجود کوهستان‌های مرتفع مثل سهند و سبلان و رشته‌کوه‌های زاگرس شمالی در منطقه، منابع طبیعی لازم در طول تاریخ برای مردمان رمه‌دار فراهم می‌آورد؛ بنابراین هر نوع تحلیل مسائل پیش از تاریخ منطقه باید با واقعیت‌های زیست محیطی در پیرامون اثر سنجیده شود و زیست محیط نقش مؤثر بر ایجاد بافت‌های استقرار در هر دوره زمانی دارد (Loak & Harris, 2006). بررسی و کاوش‌های انجام گرفته در حوزه فرهنگی دریاچه ارومیه، بقایایی از محوطه‌های مربوط به دوران‌های پیش از تاریخ، آغازتاریخی، عصر مفرغ و آهن و دیگر دوره‌های تاریخی شناسایی و معرفی کرده است. یانیق تپه نیز از جمله یکی از ۵۰ محوطه استقرار این عصر است که در گوشه شمال غرب کشور در نزدیکی شهر تبریز در آذربایجان شرقی واقع گردیده است. این استان در همسایگی جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و ترکیه است. همچنین به دلیل داشتن اشتراکات فراوان با کشورهای همسایه، یکی از مهم‌ترین مناطق کشور در روابط خارجی محسوب می‌شود (تصاویر ۱ و ۲).



تصاویر ۱ و ۲. موقعیت جغرافیایی شمال غرب ایران، یانیق تپه، تبریز و کشورهای همسایه آذربایجان، گرجستان و ترکیه و موقعیت رود ارس در مرز جلفا و نخجوان (نگارنده، ۱۳۹۸).

### پیشینه پژوهش

تا یک دهه قبل، پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام گرفته در دوره مفرغ قدیم در شمال غرب ایران، عمدتاً محدود به حوضه دریاچه ارومیه بود. اورل اشتاین در سال‌های ۶-۱۹۳۵ م. بررسی‌هایی از کرانه‌های خلیج فارس به سمت شمال در امتداد زاگرس را تا دره سلدوز انجام داد. او دو تپه دینخواه و حسنلو را گمانه‌زنی کرد. در ادامه بررسی و کاوش‌ها در این محدوده جغرافیایی می‌توان به کاوش‌های گوی تپه (Burton Brown, 1951)، تپه حسنلو (Dyson, 1965)، و هفتوان تپه (Burney, 1972) اشاره داشت. چارلز برنی در طی بررسی منطقه در سال‌های ۱۹۵۸ الی ۱۹۵۹ م. یانیق تپه را شناسایی و ثبت کرد (Burney, 1958 & 1961). استوارت سوئینی در سال ۱۹۷۱ م. در جنوب شرقی آذربایجان در محدوده شهرهای میان‌دوآب، بیجار و همدان بررسی‌های مقدماتی را به انجام رسانید. او ۱۶ محوطه این دوره را که از آن میان باید به محوطه‌هایی چون یانیق تپه و گوی تپه (Swiny, 1975) اشاره داشت، معرفی کرده است. از دیگر مطالعات در این حوزه فرهنگی

می‌توان به مطالعات سامرز که در رسالهٔ دکتری خود، مطالعهٔ تحلیلی گاهنگارانه بر سفال‌های یانیق‌تپه به منظور تعیین تغییر و تفاوت‌ها در نوع، فرم یا تزئین در طول دو دورهٔ ماوراء قفقاز قدیم II و I (کورارس III و II) داشته، اشاره داشت (Summers, 1984). این فرهنگ با بقایا و ویژگی‌های آثار خود، در چند دههٔ اخیر کانون توجه بسیاری از باستان‌شناسان قرار گرفته است. با نزدیک شدن به هزارهٔ سوم قبل از میلاد آثار این فرهنگ در حوزهٔ فرهنگی ایران در مناطق بسیاری چون آذربایجان در شمال غرب، درهٔ کنگاور نزدیک کرمانشاه در زاگرس مرکزی (Young, 1969)، دشت قزوین (Fazeli & Abbasnezhad, 2005)، شمال دریاچهٔ ارومیه (عمرانی، ۱۳۸۰)، همدان (Mohammadifar & Motarjem, 2009) شناخته شده است. از سوی دیگر مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای در مورد گاهنگاری، پراکنش و منشأ خاستگاه فرهنگ یانیق در ایران، قفقاز و ترکیه در سال‌های اخیر اجرا گردیده است. محوطه‌های کورارسی بسیاری در شمال غرب و غرب و فلات مرکزی ایران شناسایی شده و اطلاعات بسیار ارزشمندی دربارهٔ پراکنش این محوطه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ مادی هر منطقه ارائه شده است. از جمله کاوش‌های نجات‌بخشی در حوضهٔ سد خداآفرین در دو محوطهٔ کهنه‌پاسگاه و کهنه‌تپه سی است (Maziar, 2010؛ آقلاری، ۱۳۸۷؛ زلّی، ۱۳۸۶). از کاوش‌های علمی و هدفمند در راستای روشن ساختن چگونگی شکل‌گیری مراحل اولیهٔ فرهنگ کورارس، می‌توان به کاوش‌های محوطهٔ کول‌تپه جلفا توسط اکبر عابدی که از مراحل اولیهٔ فرهنگ کورارس به همراه اطلاعات سودمندی از مراحل II و III (دورهٔ نوسنگی و مس‌سنگی) آن به دست آورد (عابدی، ۱۳۹۰) اشاره کرد. از محوطه‌هایی که هر سه مرحلهٔ فرهنگ کورارس را دارد، نادر تپه سی در اصلاندوز دشت مغان است که میر روح‌الله محمدی در سال ۱۳۸۲ ه.ش. آن را بررسی و در سال ۱۳۸۵ ه.ش. کریم علیزاده آن را لایه‌نگاری کرد (محمدی، ۱۳۹۱). کهنه‌شهر چالدران در آذربایجان غربی محوطهٔ تک‌دوره‌ای عصر مفرغ قدیم از سوی کریم علیزاده کاوش گردید (علیزاده، ۱۳۹۱).

### یانیق‌تپه

یانیق‌تپه، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی در شرق دریاچهٔ ارومیه، در فاصلهٔ ۳۰ کیلومتری جنوب غربی تبریز و ۶ کیلومتری خسروشهر در روستای تازه‌کند در کنار رودخانهٔ آغ‌چای یا تلخه‌رود است. این تپه توسط چارلز برنی در سال‌های ۱۹۵۸-۱۹۵۹ م. شناسایی شد و در طی سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ م. مورد کاوش باستان‌شناختی قرار گرفت. یانیق‌تپه از دو برجستگی بلند و کوتاه تشکیل شده؛ برجستگی بزرگ‌تر با ارتفاع ۱۶/۵ متر و برجستگی کوچک‌تر با ارتفاع ۱/۵ متر بلندتر از سطح زمین‌های اطراف است. این محوطه با مساحت اولیهٔ حدوداً ۱۶ هکتار، یکی از محوطه‌های بزرگ و شاخص عصر مفرغ قدیم آذربایجان است (Burney, 1962: 138) که امروزه بخش عمده‌ای از آن تخریب شده و از میان رفته است. مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی یانیق‌تپه، الگوی معماری مدور و راست‌گوشه با مجموعه سفال‌های آن است. به‌ویژه گونه‌های مشابه سفال‌ها به افق فرهنگی وسیع مناطق آناتولی شرقی و ماوراء قفقاز قدیم مربوط به نیمهٔ هزارهٔ سوم قبل از میلاد است. دوره‌های قدیمی‌تر، یعنی نوسنگی جدید و مس‌وسنگ نیز در طی کاوش‌های باستان‌شناسی از آن کشف شد که نخستین استقرارهای این محوطه به شمار می‌رود. قطعات سفال‌های به دست آمده از این دوره قابل مقایسه با دورهٔ X حسنلو (حاجی‌فیروز) است. سپس با وقفه‌ای فرهنگ ماوراء قفقاز قدیم از عصر مفرغ قدیم تا اوایل مفرغ میانی در این محوطه گسترش داشته است. عصر مفرغ قدیم در یانیق‌تپه در فصول ۱۹۶۰ و فصل سوم ۱۹۶۲ م. در کاوش گمانه‌های D, F, G, H, P به دست آمد. در فصل دوم در سال ۱۹۶۱ م. بقایای عصر مفرغ میانی با چهار دورهٔ معماری کشف شد. نتیجهٔ سه فصل حفاری در یانیق‌تپه، مشخص شدن ادوار فرهنگی مختلفی بود که قدیمی‌ترین آن‌ها دورهٔ نوسنگی است که قدمت آن نمی‌توانست کمتر از حدود ۶۰۰۰ ق.م. باشد تا عصر آهن که حدود

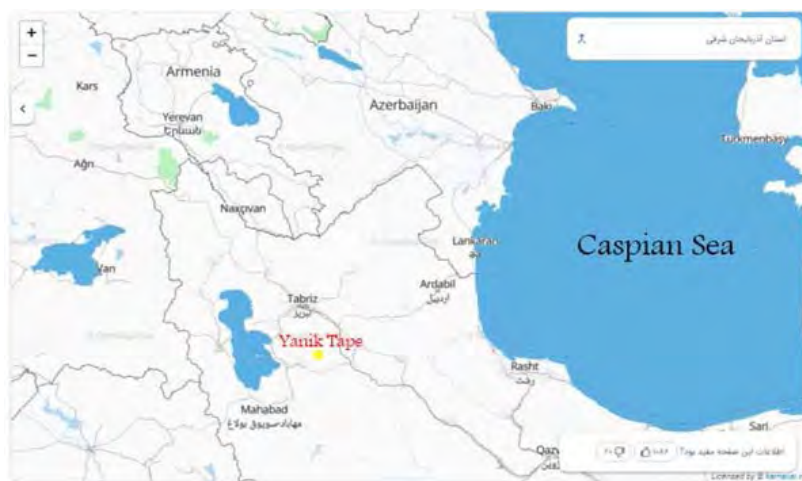


۶۰۰ ق.م. را دربرمی‌گیرد (Voight & Dyson, 1992:177, 188). چارلز برنی نیز سرتاسر فرهنگ ماوراء‌قفقاز را به سه دوره، یعنی دوره‌های اول، دوم و سوم ETC I, ETC II, ETC III تقسیم‌بندی کرد. مبنای اصلی این دوره‌ها نتایج کاوش‌های وی در این محوطه بوده است. به موجب این دیدگاه، دوره اول یا دوره تکوین این فرهنگ در خاستگاه خود است، دوره دوم با خانه‌های مدور و سفال مزین تقارن دارد، دوره سوم با بناهای چهارگوش و سفال با تزئینات هم‌زمان است. سامرز درمورد توالی لایه‌نگاری این محوطه می‌نویسد بر مبنای اطلاعاتی که در حین کاوش ثبت شده، در مجموع ۱۴ مرحله ساختمانی در لایه‌های قدیمی‌تر با خانه‌های مدور و ۴ مرحله ساختمانی در دوره‌های جدیدتر با خانه‌های راست‌گوشه مستطیل‌شکل شناسایی کرده است و احتمال می‌رود میان این دو دوره وقفه‌ای کوتاه افتاده باشد. این نظر بر اساس همگونی چشم‌گیر، سبک‌های تأسیسات داخلی و سفال‌های محوطه در طی این دوره‌ها است. همچنین بنای خشتی عظیمی در رأس تپه قرار دارد که احتمالاً مربوط به عصر ساسانی است. به نظر می‌رسد در زمان احداث این بنا، رأس تپه تسطیح شده بوده و بنابراین هر بنای احتمالی با قدمت اواخر عصر آهن و نیز حداقل بخشی از قدیمی‌ترین استقرارگاه مربوط به فرهنگ ماوراء‌قفقاز قدیم را از بین برده باشد. فرهنگ ماوراء‌قفقاز قدیم چند قرن در یانیق‌تپه استمرار یافته است (Summers, 1984: 137). از دیگر ویژگی‌های عصرمفرغ یانیق‌تپه، سفال‌های سیاه یا خاکستری با نقوش کنده، دست‌ساز و صیقل خورده است. این روش تزئین‌کننده یادآور کنده‌کاری روی چوب، الهام‌گرفته از پوشش جنگلی ساکنانی است که بعد از مهاجرت به مناطق غیرجنگلی، مثل شمال غرب و غرب ایران آمده‌اند. این روش تزئین بر روی ظروف سفالی و تزئینات با طرح‌های تزئینی مانند نقوش برجسته که درون آن، گاه با رنگ سفید یا آخریایی پُر شده، رواج پیدا می‌کند. نقش مایه‌های تزئینی چون نقوش پرنده‌گان و نقوش بسیار تجربیدی قوچ یا بزکوهی با شاخ‌های پیچیده و یا نوارهایی که درون‌شان با طرح‌های هندسی پُر شده، بر روی کاسه‌ها، خمره‌ها و ظروف پایه‌بلند پهن و فنجان‌های کوچک از اشکال رایج ظروف سفالی این دوره‌اند. در عصرمفرغ میانی شیوه‌های معماری تغییر یافت، به طوری که خانه‌ها دارای نقشه راست‌گوشه با خشت ساخته شده‌اند و باتوجه به ضخامت دیوارها، خانه‌ها احتمالاً دوطبقه بوده‌اند. استفاده از نقوش بر روی سفال‌ها در این دوره رواج یافته و شیوه نقوش داغدار گرافیکی بر برخی از فنجان‌های ظریف پدیدار شده است. سفال‌ها نسبتاً ظریف ساخته شده بودند و استفاده از صیقل در این دوره افزایش داشته است. از نظر شکل ظروف تغییرات زیادی در این دو دوره رخ نداده است (Burney, 1962). اشکال سفالی رایج در این دوره، همان فرم‌های رایج در دوره کورارس II یانیق‌تپه است، اما دسته‌های نخجوانی که در دوره دوم یانیق بسیار رایج بودند، در این دوره فقط فرم انحطاط یافته‌ای از آن‌ها را بر روی ظروف می‌توان دید. تاریخ رادیوکربن در یانیق‌تپه (Burney & Lang, 1971: 20, 86) را نشان می‌دهد (تصاویر ۳ تا ۷).

### سفال‌های فرهنگ کورارس در یانیق‌تپه

هدف از ارائه این بخش، توصیف سفال‌ها و نشان دادن برخی تصاویر از تاریخ هنر سفالگری و تحول کلی سبک‌های سفالی در سراسر سکونت‌های طولانی مدت مربوط به فرهنگ ماوراء‌قفقاز قدیم در یانیق‌تپه است که در اوایل دهه ۶۰ قرن بیست میلاد مورد کاوش قرار گرفته است. این مجموعه از زمان انتقال آن به موزه ملی ایران دست‌نخورده باقی مانده است. در این مطالعه سعی بر آن بود تا نمونه سفال‌هایی که توسط چارلز برنی در مطالعات قبلی ارائه نشده بود، انتخاب شوند.

سفال‌های این فرهنگ در گونه‌های متفاوتی از فرم و نقش، سبک نوینی است که توسط صنعت‌گران مهاجر به شمال غرب ایران آورده شده است. ویژگی این سفال‌ها رنگ خاکستری تیره یا سیاه براق و قهوه‌ای روشن، دست‌ساز با شاموت کانی و سطح صیقل داده شده است که



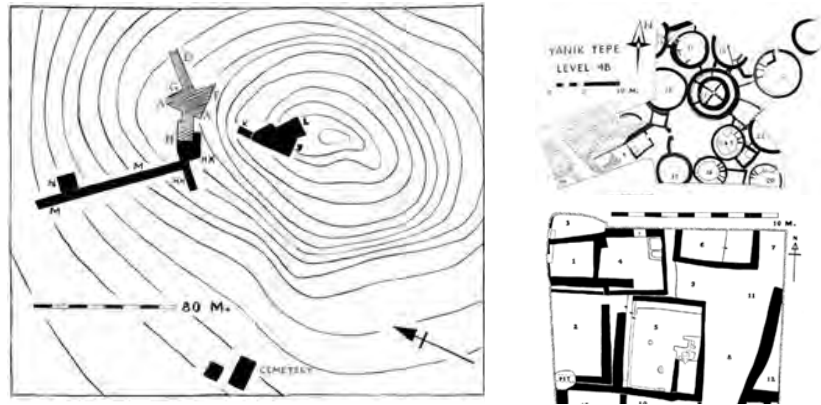
تصویر ۳. موقعیت جغرافیایی یانیق تپه در حاشیه دریاچه ارومیه (نگارنده، ۱۳۸۴).



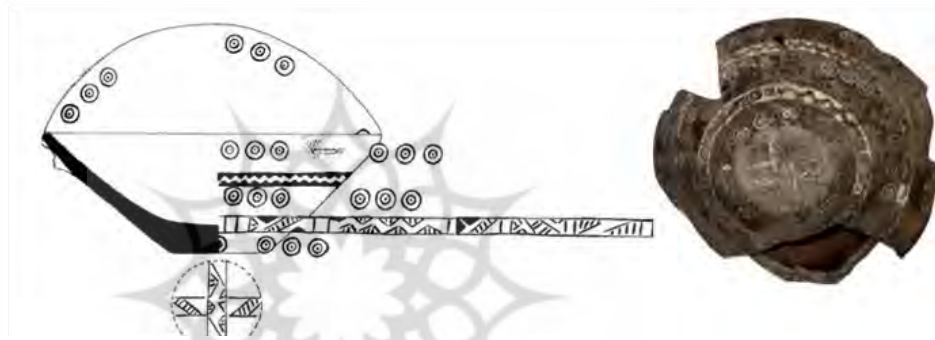
تصویر ۴. عکس هوایی از موقعیت یانیق تپه در روستای تازه‌کند (Google, 2019).



تصویر ۵. چشم‌اندازی از محوطه یانیق تپه و نمونه سفال خاکستری عصر مفرغ بر دیواره تپه (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۶. یانیق‌تپه، نقشهٔ توپوگرافی و پلان کارگاه‌های کاوش‌شده با ساختارهای معماری مدور و راست‌گوشه (Burney, 1961 & 1962).



تصویر ۷. سفال سیاه خاکستری با نقش مایه‌های گنده، چشمی و نوارهای ساده و تزئینی هندسی از مرحلهٔ HX 7 یانیق‌تپه (نگارنده، ۱۳۸۴).

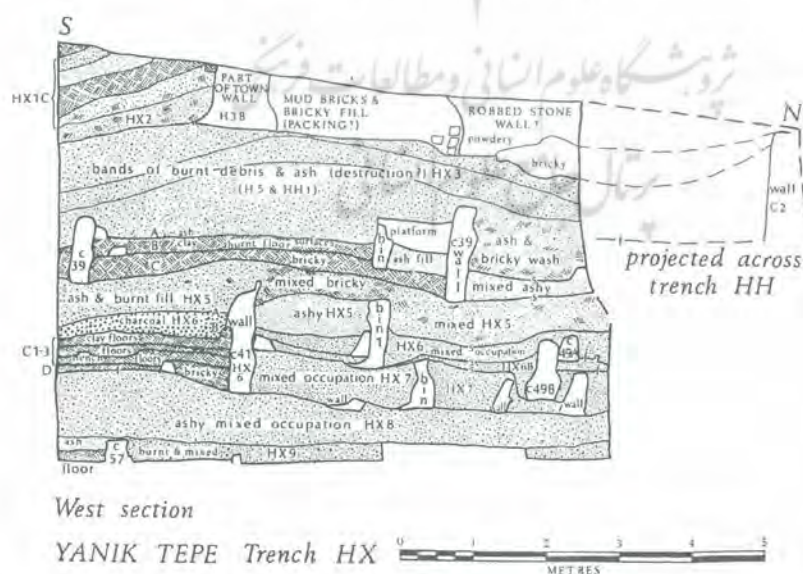
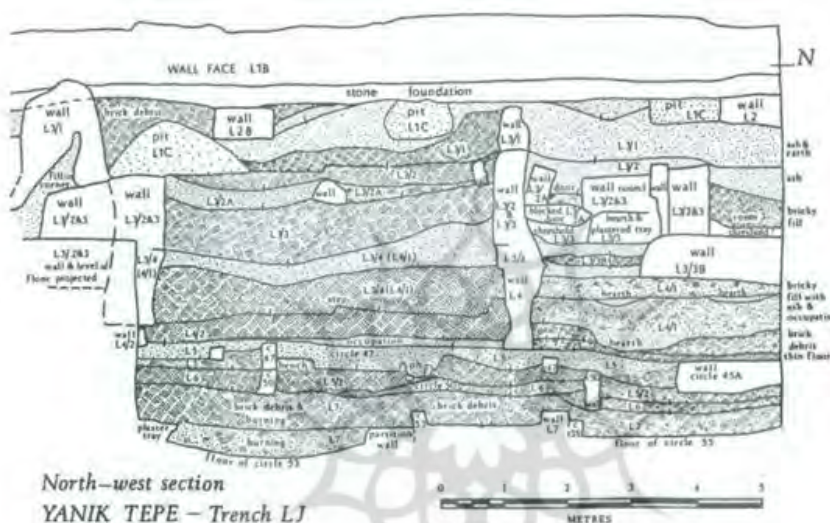
بر سطح آن انواع نقوش چون تزئینات مارپیچی، شاخ قوچ یا حلقوی دیده می‌شود (Burney & Lang, 1971). ساخت ظروف سفالی با لبهٔ ریلی شکل در دورهٔ اول کوراراس رواج داشت. در این دوره دسته‌های معروف به نخجوانی هنوز توسعه نداشته، همچنین ساخت چند فرم ظرف و اجرای چند شیوهٔ تزئینی در چهارچوب سنت‌های سفالگری عصر مس و سنگ هنوز ادامه داشت (Glumac & Anthony, 1992). سفال‌های کوراراس I از اکثریت محوطه‌های قفقاز، حاشیهٔ شرقی آناتولی و نیز گوی‌تپهٔ K1 به دست آمده است (Sagona, 2000).

سفال دورهٔ دوم یا کوراراس II با رواج تزئین دستهٔ آرنجی و ظهور دستهٔ نخجوانی نیم‌دایره‌ای شناخته می‌شود. لبه‌های ریلی شکل در این دوره متروک شد (Seyedov, 2000). از مشخصات سفال کوراراس II باید به رواج تزئینات موسوم به «چشم» همچنین نقوش هندسی مثلثی، که با شیوهٔ نقش‌کنده انجام گرفته و بعضاً متأثر از دیگر حوزه‌های فرهنگی هستند، اشاره داشت. این سفال‌ها دارای نقش مایه‌های مختلفی است، کاربرد نقوش جانوران، مانند: پرندگان، ماهی و حیوانات در سفال‌های این محوطه نیز رواج داشته است؛ به طوری که تصاویر پرندگان به شکل طرح هندسی بر کوزه‌ها و یا کاسه‌هایی که نقش در داخل کف ظرف و یا نزدیک کف دارند، اجرا شده است. در دیگر موارد می‌توان به طیفی از طرح‌های بسیار سادهٔ هندسی، نوارهای ساده با خطوط موج‌دار، خطوط یا هاشورهای افقی، نوارهای زیگزاگ و تزئینات نقطه‌پردازی شده، نوارهایی با نقوش هندسی لوزی‌ها با مثلث‌های بهم پیوسته که با ترکیبات متنوعی از نقطه‌های کنده در طرح‌های متنوع پُر شده، صلیب‌های شکسته، نقش مایه‌های مارپیچی یا چشم که در دورهٔ دوم با روش کنده‌کاری





تصویر ۸. بخشی از مجموعه سفال‌های یانیک‌تپه در روند سامان‌دهی، تفکیک دوره‌های فرهنگی (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۹. بالا: برش شمال شرقی کارگاه L.J یانیک‌تپه و مراحل آن؛ پایین: مقطع غربی کارگاه HX یانیک‌تپه که بخشی از فازهای دوره‌خانه‌های مدور و سازه‌ای را که احتمالاً حصار شهر بوده است، نشان می‌دهد (سامرز، ۱۳۹۰: ۱۴۲).





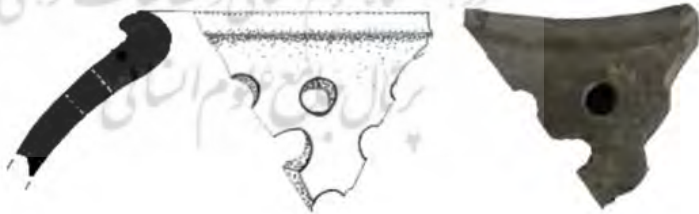
تصویر ۱۰. سفال آجری رنگ با شیوه‌های تزئینی متأثر از سنت سفالگری عصر مس و سنگ از مرحله YT.K3 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۱. سفال خاکستری تیره رنگ با نقش مایه‌های تزئینی چشمی از مرحله YT.K3 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۲. سفال آجری رنگ با شیوه‌های تزئینی متأثر از سنت سفالگری عصر مس سنگی از مرحله YT-HX4 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۳. سفال خاکستری آبکش با بدنه سوراخ‌دار مرحله YT.HX1 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۴. سفال خاکستری، تزئینات کنده‌کاری هندسی و نقش جانوری مرحله YT.HX1 (نگارنده، ۱۳۸۴).

برروی سفال‌ها ایجاد شده است و به شکل برجسته درآمده، گاهی محل خالی را با خمیر سفیدرنگ از گچ یا آهک پُر می‌کردند. یکی از نقوش متداول، نقش مایه‌ای مثلثی شکل با زاویه تند که کوهستان را در ذهن تداعی می‌کند، همراه با تزئینات کنده‌کاری شده به شکل خط میخی در این دوره رواج بیشتری داشته است. طیفی از تنوع و نقش از نمونه‌های ظریف را می‌توان در بین آن‌ها یافت. این نمونه‌ها در مقایسه با سفال‌های دست‌ساز معمولی بسیار صاف و مسطح‌اند. سفال‌های کورارس II یانیق تپه قابل مقایسه با گوی تپه K1، تپه یاخولوی (Asurov, 2002)، رواز تپه (Kleiss & Kroll,



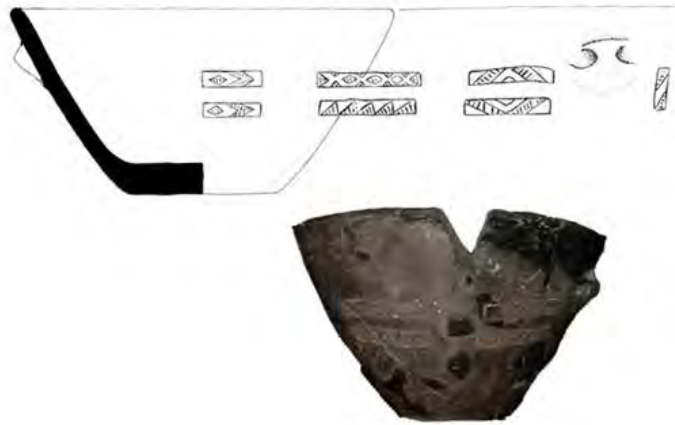
تصویر ۱۵. سفال خاکستری با نوارهای ساده و تزئینی کنده‌هندسی و جانوری مرحله Y.T.XT HH 10 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۶. سفال خاکستری سیاه با نوار تزئینی کنده‌هندسی دسته‌نخجوانی از مرحله Y.T. HHI (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۷. سفال با دسته‌نخجوانی از مرحله Y.T. L3PRM II (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۸. سفال خاکستری سیاه با نوار تزئینی هندسی کنده با اندود خمیر سفید گچ Y.T. 125 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۹. سفال آجری رنگ با نوار تزئینی هندسی کنده با اندود خمیر سفید گچ از مرحله Y.T. H.X.3 (نگارنده، ۱۳۸۴).

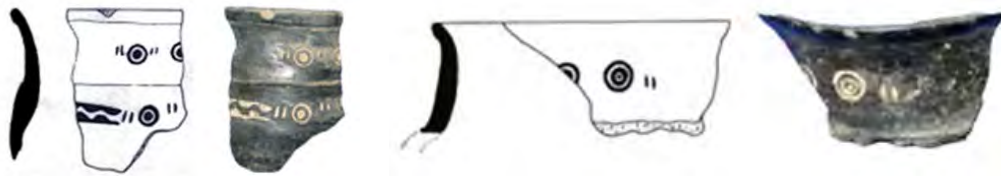


تصویر ۲۰. سفال خاکستری، نوارهای ساده افقی و نقش مثلثی خطوط عمودی از مرحله Y.T. P2 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۲۱. سفال با طرح هندسی، نقوش چشمی و لوزی با دسته نخجوانی با تزئین کنده‌کاری با اندود خمیر سفید گچ در مرحله‌های Y.T. HH IA, Y.T.61 H5 36 (نگارنده، ۱۳۸۴).





تصویر ۲۲. سفال با طرح هندسی، نقوش چشمی و نوار موجی شکل کنده‌کاری با اندود خمیر سفید گچ در مرحله‌های 161HX4, YT. LIA. (نگارنده، ۱۳۸۴).



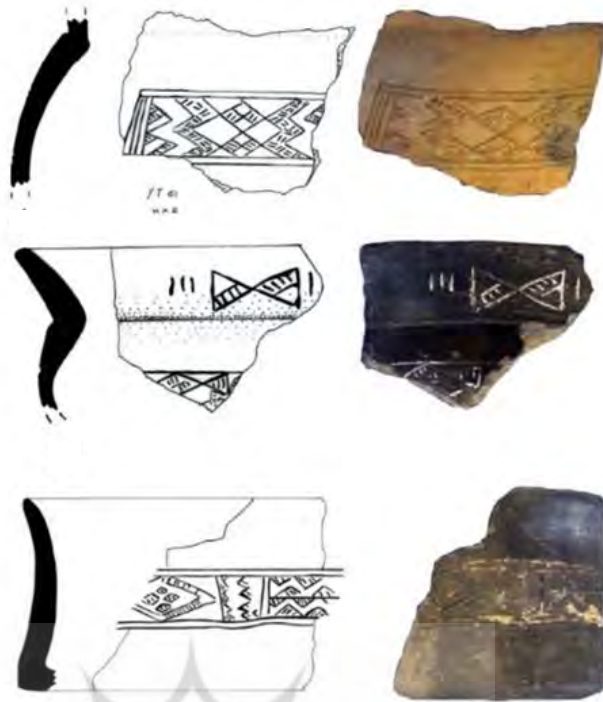
تصویر ۲۳. سفال طرح هندسی، نواری ساده با تزئین نردبانی و نقوش چشمی کنده‌کاری با اندود خمیر گچ از مرحله YT. HX1 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۲۴. سفال با طرح هندسی، نوارهای تزئینی، خطوط موج‌دار، مثلثی، نردبانی و کنده‌کاری با اندود خمیر گچ از مرحله YT. RHI (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۲۵. سفال خاکستری سیاه با خطوط هندسی و علائم خط میخی؟ کنده‌کاری با اندود خمیر گچ از مرحله YT. RHI (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۲۶. سفال قهوه‌ای روشن و سیاه خاکستری و خاکستری با نواری تزئینی هندسی لوزی و زیگزاگ کنده‌کاری شده با اندود خمیر گچ از مرحله‌های YT61 HX2, YT HX3 (نگارنده، ۱۳۸۴).



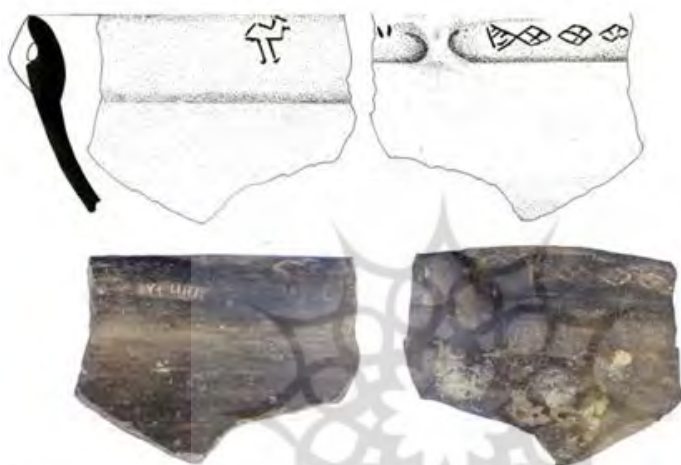
تصویر ۲۷. سفال قهوه‌ای روشن با طرح هندسی تزئین کنده‌کاری با اندود خمیر گچ اخرايي از مرحله YT61 HX3 (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۲۸. سفال خاکستری سیاه با طرح هندسی نواری ساده، مثلثی و نقوش جانوری با تزئین کنده‌کاری با اندود خمیر گچ از مرحله YT.161 HHI 29 A (نگارنده، ۱۳۸۴).

Young.) IV (Burney, 1972) VII هفتون (۱۳۸۲)، باروج (علیزاده و آذرنوش، ۱۳۸۲)، هفتون (Burney, 1972) VII و گودین IV (Young, 1969) به دست آمده است.

سومین دوره فرهنگ کورارس یا کورارس III با سفال‌هایی با تزئینات کنده‌کاری شده و نقش ماریچ و دسته‌های حلقوی متصل به لبه ظروف قابل شناسایی است. در این دوره تزئین دواير متداخل و چشمی توسعه می‌یابد (Burney & Lang, 1971: 67; Seyedov, 2000: 19). درصد دسته‌های نخجوانی به تدریج کم می‌شود. سفال‌های کورارس III در گوی تپه K3، گودین IV، سنگاویت IV، کول تپه نخجوان، کواتسخلبی گرجستان و محوطه‌های ناحیه کبان در آناتولی شرقی گزارش شده است (Burney, 1961, 1962; Burney & Lang, 1971; Sagona, 2000).



تصویر ۲۹. سفال با طرح هندسی و نقش جانوری با تزئین کنده‌کاری اندود خمیر گچ از مرحله‌های YT.HHI (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۳۰. سفال خاکستری سیاه با نواری از طرح هندسی نقش جانوری با تزئین کنده‌کاری با اندود خمیر گچ از مرحله‌های YT.THX 39C (نگارنده، ۱۳۸۴).

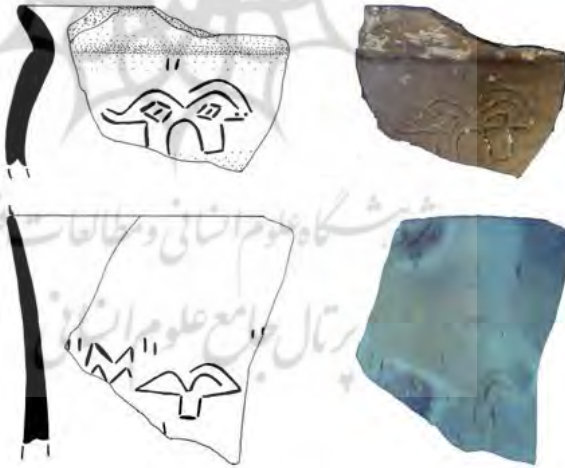




تصویر ۳۱. سفال خاکستری با نقش جانوری مسبک خطی کنده‌کاری با اندود خمیر گچ، بر کف ظرف شماره ۷۳۷۰/۱۴۳۷۰ (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۳۲. سفال خاکستری و قهوه‌ای روشن با نقوش چشمی، شاخ قوچ کنده‌کاری، با اندود خمیر سفید رنگ گچ Y.T. 1961 HHI (نگارنده، ۱۳۸۴).



تصویر ۳۳. سفال با نقوش حیوانی و هندسی با روش تزئین کنده‌کاری با اندود از مرحله‌های Y.T. HH I، Y.T.418 (نگارنده، ۱۳۸۴).

## نتیجه‌گیری

اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از میلاد شاهد دگرگونی فرهنگ‌ها و تعاملات فرهنگی در آسیای جنوب غربی و گسترش فرهنگ کورارس در شرق و جنوب ترکیه و غرب ایران است؛ بنابراین تغییراتی در ساختار اجتماعی جوامع انسانی به وقوع پیوست. در پی این تغییرات به ویژه افزایش جمعیت، ارتباطات برون منطقه‌ای پدیدار شد که بستر مناسبی برای انتقال اندیشه‌ها از جمله خلق آثار هنری چون ساخت و تولید گونه‌ای از سفال سیاه‌رنگ، دست‌ساز و نوعی تزئین که برخلاف دوره‌های پیشین که سفال را با رنگ نقاشی می‌کردند، روشی کاملاً جدید جایگزین گردید که سنت فرهنگی کورارس شناخته می‌شود. مقاله حاضر دربرگیرنده سفال‌های یانیق تپه است که از ساماندهی انبارهای موزه ملی ایران شناسایی و مطالعه گردید. حجم بالای یافته‌های این کاوش شامل سفال‌های دوره نوسنگی، مس‌سنگی، عصرمفرغ، عصر آهن تا دوره ساسانی بیانگر استقرار طولانی مدت در این محوطه باستانی براساس موقعیت زیست محیطی مناسب آن بوده است.

تفکیک آماری سفال‌ها نشان داد بیشترین نقش‌ها مربوط به تلفیق الگوهای هندسی چون نوارهای تزئینی و ساده با نقش جانوران و پرندگان بوده که اهمیت این جانوران در بافت زیست محیطی منطقه را در روند اقتصاد معیشتی با تمرکز بر دام‌داری و شکار نشان می‌دهد. مقایسه این نقش‌ها با دیگر حوزه‌های فرهنگی در گستره جغرافیایی عصرمفرغ قدیم در محدوده جغرافیایی شمال غرب، غرب و مرکز فلات ایران را تا مناطق آناتولی و ماوراء قفقاز بیانگر برخی نقوش تأثیرپذیراز مبدأ و بیشترین تأثیر نقوشی دیگر بر روی این سفال‌ها از حوزه‌های فرهنگی همجوار در ایران بوده است.

## کتابنامه

- رضالو، رضا؛ و زبان‌بند، نسرین (۱۳۹۴). «فرهنگ یانیق یا کورارس، تأکیدی بر عنوان کورارس براساس مطالعات آماری». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۸، دوره پنجم، بهار و تابستان، صص: ۷-۱۷.
- شهرابی، م. (۱۳۷۳). *دریاها و دریاچه‌های ایران*. سازمان زمین‌شناسی کشور.
- فاضلی‌نشلی، حسن؛ و آجورلو، بهرام (۱۳۸۳). «درآمدی بر بسط فرهنگ کورارس در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد در دشت قزوین». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران*، به‌کوشش: مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۱۸۱-۱۹۱.
- قربانی، حمیدرضا؛ و زنگنه، لعیبا (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل ویژگی‌های بصری و سبک تصویری نقوش سفال‌های فرهنگ کورارس (براساس محوطه یانیق تپه)». *مجله جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۸۵-۹۷.
- عمرانی، بهروز، (۱۳۸۴). «عصرمفرغ قدیم در شمال غرب فلات ایران». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران*، به‌کوشش: مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۱۶۹-۱۸۰.
- علیون، صمد (۱۳۹۰). *یانیق تپه خسرو شهر، باستان‌شناسی آذربایجان* (۲)، نشر اختر، چاپ اول.
- علیزاده، کریم؛ و آذرنوش، مسعود (۱۳۸۲). «بررسی روشمند تپه باروج: روابط فرهنگی دوسوی رود ارس». *باستان‌شناسی و تاریخ*. سال هفدهم. شماره دوم. بهار و تابستان. صص: ۲۲-۳.
- علیزاده، کریم (۱۳۹۱). «بازخوانی نظریه مهاجرت در باستان‌شناسی و گسترش فرهنگ کورارس در خاور نزدیک باستان». *باستان‌شناسی و تاریخ*. سال بیست و پنجم. شماره دوم. صص: ۹۴-۷۹.

- مازیار، سپیده؛ و زلّقی، علی (۱۳۹۰). «کرانه‌های جنوبی رود ارس در گذر زمان با نگاهی به پراکنش فضایی و زمانی استقرارها». *فصلنامه علمی، فنی هنری، شماره ۷۹، صص: ۶۱-۷۲*.

- محمدی، میرروح‌الله (۱۳۹۱). «مطالعه فرهنگ کورارارس در دشت مغان براساس سفال‌های به‌دست‌آمده از بررسی باستان‌شناختی نادرته‌سی اصلاندوز، آذربایجان شرقی». *مجموعه مقالات سومین همایش باستان‌شناسان جوانان ایران، تهران: انتشارات بصیر*.

- مترجم، عباس؛ و نیکنومی، کمال‌الدین (۱۳۹۰). «عصرمفرغ قدیم در شرق زاگرس مرکزی ایران». *مطالعات باستان‌شناسی، شماره ۴، صص: ۵۴-۳۵*.

- مترجم، عباس (۱۳۹۰). «نشانه‌هایی از یک مهاجرت قومی به شمال غرب و غرب ایران در هزاره سوم قبل از میلاد در پرتو کاوش‌های باستان‌شناسی». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، شماره ۱، دوره اول، پاییز و زمستان، صص: ۱۳۷-۱۴۶*.

- Aşurov, S. H. (2002). *Naxçıvan'da İlk Tünc Keramikası*. Baku: Nafta Press
- Burney, C. A. (1958). "Eastern Anatolia in the Chalcolithic and early Bronze age". *Anatolia Studies* 8. pp: 157-209.
- Burney, C. A. (1961). "The Excavation at yanik tape ,west Iran, report". *Iraq*. 23. pp:138-53,
- Burney, C. A. (1962). "The excavation at yanik tape ,Azerbaijan ,1961,second Preiminary report". *Iraq*. 24, pp: 134-49.
- Burney, C. A. (1972). "The Eexcavation at Haftvan ,1971 ,Third Preiminary report". *IRAN*,no. 11. pp:158-72.
- Burney, C. A. & Lang, D. (1971). *The People of the Hills, Ancient Ararat and Caucasus*, New York.
- Burton Brown, T. (1951). *Excavation in Azarbaijan,1948*. (London 1951).
- Dyson, R. H. (1965). "Problems of Protohistoric Iran as seen from Hasanlu". *JNES* 24/3: 193-217
- Fazali Nashli, H. & Abbasnezhad Seresti, R. (2005). "Social Transformation and interregional interaction in the Qazvin Plain During the 5 , 4 and 3 millennia B. C". *Archaologische Mitteilungen aus Iran und Turan Band 37* . pp: 21-24.
- Glumac, P. & Anthony, D. (1992). "Culture & Environment in the Prehistoric Caucasus: the Neolithic through the Early Bronze Age", *Chronologies in Old World Archaeology*, R.W. Erich (ed.), Vol.1, Chicago & London, The University of Chicago Press, pp: 196-206.
- Maziar, S. (2010). "Excavations at Kohne Pasgah Tepesi, The Araxes Valley, W Iran. First Perliminary Report". *Journal of Ancient Eastern Studies*. Vol 47. p: 169.
- Mohammadifar, Y. & Motarjem. A, et al. (2009). "Tepe Pissa: new investigations at a Kura, Araxes site in central western Iran". *Antiquity* Vol 83 Issue 320. UK.
- Rothman, M. S. (2015). "Early Bronze Age Migrants and Ethnicity in the Middle Eastern Mountain Zone". *proceedings of the National Academyof Sciences* 112 (30): 9190-95.dio:10.1073/ pnas.1502220112.
- Sagona, A (2000). "Excavation at Sos Hoyuk, 1998 to 1999: Fifth Preliminary



Report”, *Ancient Near Eastern Studies*, Vol. 37, pp: 56-127.

- Sagona, A. (2014). “Retthinking the Kura-Araxes Genesis”. *Paleorient* 40 (2): 23-46.

- Schachner, A. (2001). “Azarbaycan: Eine-terra Incognita der vordcrasiaticcm Archaologic”. *Mitteilungen Der Duetschen Orient Geselschaft Zu berlin* 133. pp: 251-322.

- Seyedov, A. G. (2000). *Naxiçevanın İlk Tünc Dövrü Abidələri və Onlaun Dövrələşdirməsi*. Bakı Çaşio.

- Summers, G. D. (1984). “A study of Architecture, Pottery and other material from Yanik Tepe, HaftavanTepe VIII and Related Sites”. Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology. University of Manchester.

- Swiny, St. (1975). “Survey in north-west Iran, 1971”. *East and west* 25, pp: 77-96.

- Voigt, M. & Dyson, R. H. (1992). “The chronology of Iran, 8000 to 2000 B.C.”. in: R. W. Ehrich (Ed.) *Chronologies In old World Archaeology*. Chicago, London. pp: 122-178.

- Young, T. C. J. (1969). *Excavations in Godintepe; First Progress Report*. Royal Ontario Museum.

